

مطالعه تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی سوره حمد

علیرضا انوشیروانی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز

تاریخ وصول: 85/3/16

تاریخ تأیید نهایی: 85/6/5

چکیده

این مقاله مطالعه و بررسی تطبیقی شصت و سه ترجمه انگلیسی سوره حمد قرآن مجید است. این نوشتار بر آن است تا نشان دهد که مترجمان انگلیسی این سوره، چگونه مشکل تعادل واژگانی را به عنوان جزئی از تعادل ترجمه‌ای حل کرده‌اند. بررسی موردی ترجمه‌های انگلیسی سوره حمد، بیانگر این واقعیت است که معادل‌یابی واژگانی در ترجمه متون مذهبی، به علت تفاوت‌های فرهنگی زبان مبدأ و مقصد، از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. نتایج این تحقیق کاربردی نشان می‌دهد که مترجمان این سوره، بر اساس مبانی نظری ترجمه، راهکارهای خاصی را برای نیل به تعادل واژگانی برگزیده‌اند. بنابراین تبیین این راهکارها، با ذکر نمونه و مثال، می‌تواند راهگشا و الگویی عینی برای مترجمان متون مذهبی باشد.

واژه‌های کلیدی: تعادل واژگانی، تعادل ترجمه‌ای، ترجمه انگلیسی قرآن، ترجمه انگلیسی سوره حمد، ترجمه متون مذهبی، ترجمه و تفاوت‌های فرهنگی.

1- مقدمه

از نگارنده این سطور مقاله‌ای با عنوان «تبادل واژگانی در ترجمه متون دینی: چالش‌ها و راهکارها» در مجله پژوهش زبان‌های خارجی، شماره 28، زمستان 1384 به چاپ رسید. این مقاله تبادل واژگانی را به عنوان یکی از اجزاء تشکیل‌دهنده تبادل ترجمه‌ای از منظر نظریه‌های علم ترجمه پژوهی مورد بررسی قرار می‌دهد. مقاله حاضر که پژوهشی مستقل و نتیجه تحقیقی کاربردی است، به مطالعه و بررسی تطبیقی شصت و سه ترجمه انگلیسی سوره حمد قرآن مجید می‌پردازد تا به صورتی ملموس و عینی نشان دهد که این مترجمان چگونه مشکل معادل‌یابی واژگانی را در متون دینی حل کرده‌اند.

2- هدف

در این تحقیق کاربردی، روش‌ها و راهکارهایی که مترجمان انگلیسی قرآن مجید برای حل مشکل معادل‌یابی واژگانی سوره حمد به کار گرفته‌اند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا از این راه بتوان توصیه‌هایی عملی برای مترجمان متون دینی ارائه داد. به عبارت دیگر، هدف این تحقیق، کاربرد و اعمال نظریه‌هایی است که در مقاله اول بدانها اشاره شده است.

3- روش و مراحل تحقیق

- 3-1- گردآوری شصت و سه ترجمه انگلیسی سوره حمد که توسط مترجمان انگلیسی و یا عرب‌زبان، به انگلیسی ترجمه شده‌اند.
- 3-2- تبیین حوزه معنایی واژگان سوره حمد، با استفاده از منابع علمی معتبر.
- 3-3- استخراج معادل‌های واژگانی انگلیسی برای واژگان سوره حمد و تعیین توزیع فراوانی هر یک.
- 3-4- تبیین حوزه معنایی هر یک از معادل‌های انگلیسی ارائه شده.
- 3-5- مقایسه لایه‌های معنایی معادل‌های انگلیسی با یکدیگر و نیز بررسی تطبیقی حوزه معنایی آنها با حوزه معنایی واژه در زبان مبدأ (زبان عربی)
- 3-6- نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای عملی

4- گردآوری اطلاعات و بررسی داده‌ها

4-1- معادل‌های انگلیسی نام سوره: «الفاتحه الکتاب»

از آنجا که اسم سوره‌های قرآن مجید، اسم خاص‌اند، بسیاری از مترجمان نام سوره را با حروف انگلیسی آوانگاری و برخی دیگر معنی آن را به انگلیسی در کمانه اضافه کرده‌اند. آمار بدست آمده در جدول شماره 1 نشان می‌دهد که حدود 50 درصد از مترجمان، این روش را متداول‌تر و طبیعی‌تر می‌دانند¹. بدینسان خواننده انگلیسی‌زبان هم با اسم خاص سوره در زبان مبدأ آشنا می‌شود و هم معنی آن را در زبان مقصد درک می‌نماید.

1- برای سهولت بررسی، آمار درصدی حتی‌الامکان گرد شده‌اند.

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
(ترجمه انگلیسی اسم سوره) Al- Fatiha	31	%49
Fatiha	15	%24
ترجمه انگلیسی اسم سوره	14	%22
Sura 1	2	%3
بدون ترجمه	1	%2

جدول شماره 1

تعداد منابع: 63

جدول شماره 2 نشان می‌دهد که از میان 45 مترجمی که ترجیح داده‌اند نام سوره را به انگلیسی نیز ترجمه کنند، هشتاد درصد آنان، واژه **Opening** را برگزیده‌اند. «الفاتحه» از ریشه «فتح» به معنای «گشودن و باز کردن» (قاموس قرآن، ج 5، ص 145) و «فاتحه» «آغاز هر چیزی» (فرهنگ کامل لغات قرآن، ص 319) است. فرهنگ لغت آکسفورد OED (1995)² نیز واژه **Opening** را چنین تعریف می‌کند:

O-pen-ing, n 1. the act of beginning; start. 2. the first part or initial stage of anything. 3. a. the formal or official beginning of an activity, event, presentation, etc.

الفاتحه

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Opening	36	%80
Preface	2	%5
Exordium	2	%5
Key	1	%2
Prologue	1	%2
Preface or Introduction	1	%2
Praise and Worshipping God	1	%2
Hymm to God	1	%2

جدول شماره 2

تعداد منابع: 45

با توجه به حوزه معنایی الفاتحه، بهترین معادل، واژه انگلیسی **the Opening** است.

2-4- معادل انگلیسی واژه «اسم»

درباره واژه اسم، همه مترجمان از معادل **Name** استفاده کرده‌اند که نشان‌دهنده معنای ارجاعی تقریباً یکسان این واژه در دو زبان مبدأ و مقصد است.

2- در این تحقیق برای تبیین حوزه معنایی همگی واژگان انگلیسی بکار رفته شده از این منبع استفاده است.

اسم		
واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Name	72	%100

جدول شماره 3

تعداد منابع: 72

3-4- معادل انگلیسی واژه «الله»

درباره واژه «الله»، همانطور که جدول شماره 4 نشان می‌دهد، واژه‌های Allah (61 درصد) و God (39 درصد) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. درباره ریشه‌شناسی واژه «الله»، بحث‌های زیادی صورت گرفته، اما همه لغت‌شناسان بر این عقیده‌اند که «الله نام ذات واجب‌الوجودی است که جامع تمام صفات کمال است» (فاموس قرآن، ج 1، ص 97). «پس جمیع اسماء و صفات حسنی در ضمن لفظ الله مندرج باشد و لهذا او را از اسم اعظم شمرده‌اند» (تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج 1، ص 32). روشن است که معادل انگلیسی God -- هر چند ممکن است برای خواننده انگلیسی‌زبان روان‌تر و طبیعی‌تر باشد -- نمی‌تواند کلیه لایه‌های معنایی واژه الله در قرآن مجید را پوشش دهد³. از طرف دیگر، واژه Allah سال‌هاست که در زبان انگلیسی به عنوان یک اسم خاص پذیرفته شده و وارد فرهنگ لغات انگلیسی زبان شده است.

الله		
واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Allah	44	%61
God	28	%49

جدول شماره 4

تعداد منابع: 72

4-4- معادل‌های انگلیسی واژه‌های «الرحمن» و «الرحیم»

رحمن و رحیم هر دو مشتق از رَحْمَةٌ‌اند. «کلمه رحمن صیغه مبالغه است که بر کثرت و بسیاری رحمت دلالت می‌کند، و کلمه رحیم بر وزن فعیل، صفت مشبیه است که ثبات و بقاء و دوام را می‌رساند، پس خدای رحمان معنایش خدای کثیرالرحمه و معنای رحیم خدای دائم‌الرحمه است، و به همین جهت کلمه رحمت دلالت بر رحمت کثیری کند که شامل حال عموم موجودات و انسان از مؤمنان و کافران می‌شود... کلمه رحیم بر نعمت دائمی و رحمت ثابت و باقی او دلالت کند، رحمتی که تنها به مؤمنان افاضه می‌کند، و در عالمی افاضه می‌کند که فناپذیر است و آن عالم آخرت است» (ترجمه تفسیر المیزان، ج 1، ص 35)⁴ واژه رحمه که این دو صفت از آن مشتق شده‌اند، چنین تعریف شده است:

3- برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به توضیح کلمه الله در ترجمه تفسیر المیزان، ج 1، صص 31-32.

4- در مورد این دو واژه هم چنین نگاه کنید به:

رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج 1، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، 1371، صص 35-37.

- جرجانی، حسین بن حسن، تفسیر گازر، جلاء‌الاذهان و جلاء‌احزاب، ج 1، تهران: بی‌ناشر: 1337، ص 15.

- کاشانی، ملافتح‌الله، تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج 1، تهران: انتشارات اسلامی، 1347، صص 33-35.

- قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، ج 3، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1352، صص 72-78.

- طبرسی، فضل‌بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، ج 1، تهران: انتشارات فراهانی، 1352، ص 37.

«رحمت صفتی است انفعالی و تأثر خاصی است درونی، که قلب هنگام دیدن کسی که فاقد چیزی و یا محتاج به چیزی است که نقص کار خود را تکمیل کند، متأثر شده و از حالت پراکندگی به حالت جزم و عزم در می‌آید، تا حالت آن بیچاره را برآورد، و نقص او را جبران کند، چیزی که هست، این معنا با لوازم امکانش درباره خدا صادق نیست، و به عبارت دیگر، رحمت در خدای تعالی به معنای تأثر قلبی نیست، بلکه باید نواقص امکانی آن را حذف کرد و باقیمانده را که همان اعطاء و افاضه و رفع حاجت حاجتمند است، به خدا نسبت داد (همان).

همچنین درباره رحمن آمده است که «در قرآن هر جا کلمه رحمن آمده، می‌شود بجای آن الله ذکر کرد و بالعکس برخلاف نام‌های دیگر خدا... از طرف دیگر می‌شود بجای الله رحمن گذاشت... این مطلب نشان می‌دهد که رحمن با الله مساوی و هر دو به یک معنی‌اند، نه این‌که رحمن صفتی از صفات خدا باشد... از طرف دیگر رحمن مثل الله در همه جا آمده نه، فقط در موارد رحمت، مثلاً رحیم پیوسته در موارد رحمت بکار رفته، ولی رحمن مثل الله در موارد رحمت و عذاب و سلطنت و غیره استعمال گردیده...» (فاموس قرآن، ج 3، صص 74-73). در ترجمه تفسیر مجمع‌البیان علت تقدم کلمه «الرحمن» بر «الرحیم» چنین توضیح داده شده است:

«چون رحمن فقط به خدا گفته می‌شود و بس، مانند اسم شخص و علم است و باید قبلاً گفته شود به خلاف «رحیم» که گفتنش در مورد غیر خدا نیز صحیح است» (ج 1، ص 37).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه مترجمی قادر خواهد بود کلیه شرایط حاکم بر تعادل واژگانی (رک. 4، چارچوب نظری پژوهش) را در ترجمه این دو واژه رعایت کند. اولین مشکل به ساختار دو زبان برمی‌گردد. به عنوان مثال در ساختار دستوری زبان انگلیسی، صیغه مبالغه و صفت مشبیه وجود ندارد و همچنان‌که در جدول‌های شماره 5 و 6 ملاحظه می‌شود، مترجمان از واژه‌هایی همچون All، Most، Entirely و نظایر آن استفاده کردند که هر چند بخشی از معنا را به خواننده انگلیسی‌زبان منتقل می‌کند، اما بی‌نظیر و بی‌همتا بودن این صفت را در وجود خداوند در بر نمی‌گیرد.

الرَّحْمَن

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Compassionate Compassionate(19) Excessively Compassionate (1)	20	%28
Beneficent Beneficent (15) Most Benevolent (1) Most Benignant (1) Most Beneficent (1) All Beneficent (1)	19	%26
Merciful Merciful (6) Most Merciful (2) All Merciful (1) God of Mercy (1) Mercy- giving (1) Entirely Merciful (1)	12	%17
Gracious Most Gracious (9) Gracious (3)	12	%17
Rahman	5	%7
Kind Kind (1) Kindest (1)	2	%3
Affectionate Most Affectionate (1)	1	%1
بدون ترجمه	1	%1

جدول شماره 5

تعداد منابع: 72

الرحيم

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Merciful The Merciful (42) Most Merciful (11) Ever Merciful (2) All Merciful (1) The Specially Merciful (1) Mercy- giving (1) Extremery Merciful (1)	59	%82
Compassionate Compassionate (5) All Compassionate	6	%9
Raheem The Raheem (1)	4	%6
Beneficent Most Beneficent (1)	1	%1
Grace Dispenser of Grace (1)	1	%1
بدون ترجمه	1	%1

جدول شماره 6

تعداد منابع: 72

آحاد معنایی و معنای همایشی دو واژه رحمن و رحيم به شرحی که داده شد، قابل ترجمه به زبان انگلیسی نیستند. پیش تصورات و ارزش فرهنگی و اعتقادی این دو واژه که مبتنی بر بینش اسلامی است، در فرهنگ زبان مقصد وجود ندارد. شاید به همین دلیل باشد که همچنان که جدول‌های شماره 5 و 6 نشان می‌دهد، یکی از مترجمان ترجیح داده است این دو واژه را به صورت **Rahman** و **Raheem** آوانگاری کند. فرهنگ لغت آکسفورد (1995) مهمترین معادل‌های ارائه شده برای این دو واژه را چنین تعریف کرده و مثال‌هایی برای آن ذکر می‌کند:

Compassionate, *adj.* having a disposition to pity; full of compassion; inclined to show mercy or pity; sympathetic.

There never was a heart truly great and generous, that was not also tender and *compassionate*.
– South

Syn.- merciful, tender, soft, indulgent, kind, clement, gracious.

Lord may have compassion on Deut. 13:17

Return and have compassion on. Jer: 12:15

Beneficent, *adj.* bringing about or doing acts of kindness and charity, doing good

Grace, *n.* in theology, (a) the free unmerited love and favor of God; (b) divine influence acting in man to restrain him from sin; (c) a state of reconciliation to God; (d) spiritual instruction, improvement, and edification.

Esther obtained grace in Esth 2:17.

Grace is poured into lips Ps 45:2.

Lord is a sun, he will give grace Pr. 1:9.

My grace is sufficient for thee. --2 Cor. Xii.9.

Gracious, *adj.* merciful; compassionate.

Syn. –benignant, kind, merciful, mild, compassionate, tender.

Merciful, *adj.* having, feeling, or exercising mercy; compassionate; tender; unwilling to punish for injuries; exhibiting mercy.

The free mercy of God, or the enjoyment of his favour, Rom 1:6.

در میان معادل‌های ارائه شده، صفت **gracious** از واژه **grace** مشتق شده که به معنای محبت و نعمت

بی‌منت‌های خداوند است. بنابراین هر چند در این تحقیق توزیع فراوانی عبارت **The Most Gracious** از عبارت **The Most Compassionate** کمتر است، ولی از نظر حوزه معنایی در مقایسه با سایر معادل‌ها بیشتر پیام‌واژه الرحمن را به خواننده انگلیسی‌زبان منتقل می‌کند. همین استدلال درباره عبارت **The Most Merciful** برای واژه الرّحیم صادق است.⁵ معه‌ذا به نظر می‌رسد که به علت ناهمگونی بینش‌ها و مفاهیم فرهنگی، مترجم باید به روش زیرنویسی متوسل شده و توضیحات لازم را در آنجا متذکر گردد.⁶

4-5- معادل انگلیسی واژه «الحمد»

واژه الحمد با توجه به الف و لام استغراق، بهتر است **All** به واژه **Praise** طبق جدول شماره 7 اضافه شود، تا نشان دهد که «هر ثنای جمیل و وصف جلیل که از ازل تا ابد موجود بوده و هست و خواهد بود، مختص است مر خدای را» (تفسیر کبیر منهج الصادقین، ص 39).

الحمد

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Praise Praise (36) All Praise (24) Absolute Praise (1) All types of Perfect Praise (1)	62	%99
To command	1	%1

جدول شماره 7

تعداد منابع: 63

Praise, v.t.; to extol in words or in song; to magnify; to glorify.

*Praise him, all his angles Praise ye him, all his hosts*__ Ps. cxlviii. 2.

Yea, I will sing praise to God. 27:6

Let them sing praise to him. 149:3

4-6- معادل انگلیسی واژه «رب»

واژه رب به معنی «تربیت کردن» (فاموس قرآن، ص 42) است و آنگاه که در وصف خداوند بکار می‌رود، «مراد پرورش دادن و تربیت کردن تمام موجودات است» (همان، ص 43). رب همچنین به معنی «مالک و صاحب» (همان) و «بزرگ و شایسته احترام» (فرهنگ لغات قرآن، ص 196) نیز آمده است.⁷ همچنان‌که جدول شماره 8 نشان می‌دهد، واژه Lord که در انگلیسی به خداوند اطلاق می‌شود، می‌تواند معادل مناسبی برای رب باشد، هر چند برخی از مترجمان که بیشتر به معنای «تربیت کردن» و «پروردان» این واژه توجه نموده‌اند از معادل دو واژه‌ای **Cherisher and Sustainer** استفاده نموده‌اند که نمونه از استفاده از تبلور یک واژه در زبان مقصد در چند کلمه در زبان مقصد است.

5- در جدول‌های داده شده توزیع فراوانی هر واژه در ستونی مشخص آورده شده است. سپس توزیع فراوانی ترکیبات مختلف همان واژه پس از معادل انگلیسی آن در کمانه آورده شده است.

6- نگاه کنید به توضیحات یوسف علی در Yusuf Ali, A., *The Holy Qur'an*, Maryland: Amana Corp., 1983, p.14.

7- واژه «پروردگار» در فارسی به این مفهوم عنایت دارد.

رب

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Lord	51	%81
Cherisher & Sustainer	4	%6
Sustainer	3	%5
Creator	1	%1/6
Nourisher	1	%1/6
Master	1	%1/6
Nurturer & Sustainer	1	%1/6
No Translation	1	%1/6

جدول شماره 8

تعداد منابع: 63

Lord, *n.* 1. a person having great power and authority; ruler; master.

2. [L-] (a) God (with *the* except in direct address); (b) Jesus Christ (often with *our*).

All the Lord said to Moses Josh 11:23

Cherish, *v.t.* to treat with tenderness and affection; to take care of; to foster; to nurture.

Cherisher, *n.* one who cherishes; a supporter.

Sustain, *v.t.* to maintain; keep in existence; keep going; prolong.

7-4- معادل انگلیسی واژه «عالمین»

واژه عالمین به معنی «جهانها» آمده است، بنابراین طبق جدول شماره 9 معادل The worlds مناسب است.

برخی آن را به معنی «جهانیان و موجودات» گرفته و واژه All beings را بکار برده‌اند.⁸

عالمین

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Worlds The worlds (31), All the world (10)	41	%65
Universe The universe (10) Entire universe (1)	11	%18
All Beings	3	%5
Creation The creation (1) All creation (1)	2	%3
All	1	%1/6
All communities	1	%1/6
All domain of existence	1	%1/6
All People, Jinns, Angels and all creation	1	%1/6
Alamin (mankind, Jinns and all that exist)	1	%1/6
No Translation	1	%1/6

جدول شماره 9

تعداد منابع: 63

World, *n* 1. humankind; the human race; humanity. 2. the public generally: The whole world knows it. 3. any sphere, realm, or domain, with all pertaining to it: the world of dreams. 4. everything that exists; the universe; the macrocosm.

8-4- معادل انگلیسی واژه «مالک»

«مالک اسم فاعل است به معنی صاحب مال و صاحب حکومت» (فاموس قرآن، ج 6، ص 274). برخی آن را مَلِک (به فتح میم و کسر لام) تلفظ کرده‌اند و آن را به معنی حاکم و فرمانروا می‌دانند (همان). جدول شماره 10 نیز مؤید همین نکته است. یعنی حدود 54 درصد از مترجمان آن را مَلِک خوانده‌اند و معادل Master و یا King، و حدود ده درصد آن را مالک دانسته و معادل Owner را پیشنهاد کرده‌اند. سایر معادل‌های پیشنهادی را می‌توان جزو آحاد معنایی Master برشمرد.

مالک

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Master	33	%53
King	7	%11
Owner Owner (5), The only Owner (1)	6	%10
Lord	4	%6
Sovereign Sovereign (4) The Absolute Sovereign (1)	4	%6
Ruler	4	%6
The Supreme Judge	1	%1/6
Lord and Master	1	%1/6
Wielder	1	%1/6
The Fianl Arbiter	1	%1/6
The Sole Master and Arbiter	1	%1/6

جدول شماره 10

تعداد منابع: 63

Master, *n.* [ME. *maister*, *meister*; OFr. *maistre*, master, from L. *magister*, master, chief, head, from root of *magnus*, great.]

1. a man who rules others or has control, authority, or power over something; specifically, (a) a man who is head of a household or institution; (b) [M-] Christ (with *our*, *the*, etc.)

9-4- معادل انگلیسی واژه «یوم‌الدین»

درباره واژه یوم‌الدین طبیعی‌ترین معادل در زبان مقصد، The Day of Judgement است که طبق جدول

شماره 11 حدود 76 درصد از مترجمان این معادل را برگزیده‌اند.

يوم الدين

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Day of Judgement	48	%76
Day of Recompense	5	%7
Day of Reckonings Day of Reckonings (2) All Reckonings (1)	3	%5
Day of Requital	3	%5
Day of Repayment	2	%3
Day of Retribution	1	%2
Day of Doom	1	%2

جدول شماره 11

تعداد منابع: 63

Judgment Day, in theology, the last day when final judgment will be pronounced by God on all people; the end of the world.

10-4 - معادل انگلیسی واژه «عباده»

نعبد از مصدر عباده است و معنی آن اطاعت از دستورات خداوند و فرمانبری اوست (قاموس قرآن، ج 4، ص 279). بر اساس جدول شماره 2، دو معادلی که بیشتر بکار رفته‌اند، واژه‌های worship (حدود 80 درصد) و serve (حدود 17 درصد) است، با این همه آحاد معنایی عباده با معادل واژگانی serve تطابق بیشتری دارد.

عباده

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
To worship	50	%80
To serve	11	%17
To adore	1	%1/5
To offer prayers	1	%1/5

جدول شماره 12

تعداد منابع: 63

Worship, *v.t.* to adore or pay divine honors to as a deity; to reverence with supreme respect and veneration; as , to *worship* God.

Serve, *v.t.* served, *pt.,pp.*; serving.; *ppr.* [Fr. *Server*, from L. *servire*, to serve, from *servus*, a seveant, a slave, or serf.]

1. to work for; to be a servant to.

2. (a) to do services or duties for; to give service to; to aid; to assist; to help; as, he *served* his country as great stateman; (b) to give obedience and reverent honor to as God.

11-4- معادل انگلیسی واژه «استعانت»

واژه نستعین از مصدر استعانت به معنی یاری خواستن است (قاموس قرآن، ج 5، زیر واژه عَوْن، ص 70). جدول شماره 13 نشان می‌دهد که واژه help به صورت ترکیبی طبیعی‌ترین و متداول‌ترین معادل انگلیسی این کلمه است.⁹

استعانت

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Help Ask for help (16) Seek help (8) Pray for help (7) Beseech for help (5) Turn for help (5) Beg for help (2) Implore for help (2) Help (1) Require help (1) Cry on for help (1) Call on for help (1) Appeal for help (1) Look for help (1)	51	%81
Aid Seek aid (4) Ask for aid (1) Turn for aid (1)	6	%10
Assistance Seek assistance (3) Beg assistance (1)	4	%6
Succour Pray for succour (1)	1	%1/5
Invoke for tutelage and implore for aid	1	%1/5

جدول شماره 13

تعداد منابع: 63

12-4- معادل انگلیسی واژه «هدی»

واژه اهد از مصدر هَدَى به معنی «ارشاد و راهنمایی است از روی لطف و خیرخواهی» (همان، ج 7، ص 145). با توجه به جدول شماره 14 معادل Guide برای این واژه مناسب است. «بعضی از اهل تحقیق گفته‌اند که بنما ما را راه راست...» (تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج 1، ص 51). شاید مترجمانی که معادل Show را برگزیده‌اند، به این معنی بیشتر التفات داشته‌اند.

9- درباره «ایاک»، مفعول (ایاک) بر فعل (نعبد و نستعین) مقدم شده و بدینسان معنی انحصار را می‌رساند، یعنی «فقط تو» بنابراین مترجمان واژه only را درکمانه اضافه کرده‌اند. برای توضیحات بیشتر درباره «ایاک» رک. به ترجمه تفسیرالمیزان، ج 1، صص 46-50.

هدی

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Guide	42	%67
Show	13	%21
Direct	3	%5
Lead	2	%3
Keep sb.on	2	%3
Tell	1	%1

جدول شماره 14

تعداد منابع: 63

Guide, *v.t.* to point out the way for; direct on a course; conduct; lead I will teach and guide thee with Ps. 32.:8
The Lord shall guide thee Isa 58:11

13-4- معادل انگلیسی واژه «صراط»

واژه صراط به معنی راه و طریق است (فاموس قرآن، ج 4، ص 122). در جدول شماره 15 دو واژه path و way مفهوم را در زبان مقصد بیان می‌کند، ولی معادل road با توجه به معنای تجربی آن که بیشتر برای جاده بکار می‌رود و همچنین معنای همایشی آن در عبارت «راه راست و درست» مناسب به نظر نمی‌رسد.

صراط

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Path	47	%75
Way	14	%22
Road	2	%3

جدول شماره 15

تعداد منابع: 63

- Path**, *n.*
1. a track or way by footsteps; a trail.
 2. a walk or way for the use of people on foot, as in a park or garden.
 3. a line of movement; a course taken; as, the *path* of the meteor.
 4. a course or manner of conduct or procedure.

14-4- معادل انگلیسی واژه «مستقیم»

در جدول شماره 16 مناسب‌ترین معادل برای واژه مستقیم straight و نیز right است. البته straight جامع‌تر است و سایر معادل‌های پیشنهادی را از نظر آحاد معنایی پوشش می‌دهد.

مستقیم

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Straight	44	%70
Right	17	%27
Correct	1	%1/5
Rectitude	1	%1/5

جدول شماره 16

تعداد منابع: 63

Straight, *adj.* 1. having the same direction throughout its length; having no curvature or angularity; as a *straight* line.

2. direct; undeviating; continuous; uninterrupted, etc.; as , a *straight* course.

Right, *adj.* in accordance with justice, law, morality, etc.; upright; virtuous; as, *right* conduct.

Led me in the right way. Gen. 24:48

The good and right way Sam 12:23

4-15- معادل انگلیسی واژه «انعام»

انعمت از مصدر انعام به معنی نعمت دادن (همان، جلد 7، ص 85) و نَعْمَه یعنی هر آنچه خدا به انسان داده است (همان، ص 84). و نعمت‌های الهی هم دنیوی و هم اخروی است (تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج 1، ص 53). در جدول شماره 17 سه معادل grace, favour, و bless با ترکیبات خاص خود قابل بحث و بررسی است. معنای ضمنی favour ابراز لطف و محبت، مهربانی کردن و حمایت و کمک کردن است. واژه grace همچنان‌که پیش‌تر بحث شد، بیشتر شامل فضل و رحمت خداوند است. واژه bless به ویژه در معنای همایشی آن، آنگاه که با کلمه خداوند بکار رود، شامل نعمت‌های دنیوی و اخروی است و نزدیکترین و مناسب‌ترین معادل است.

انعام

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Favour To favour (16), to bestow favour (7)	23	%36
Bless To bless (15) To bestow blessings (2) To grant blessings (1) Upon whom be Thy blessings (1) Blssed by your guidance (1)	20	%32
Grace To bestow grace (5) To be gracious (5) To grace (2) To grant grace (1) To overshadow with your gracious wing(1)	14	%22
Bounties To bestow thy bounties (2) To bestow the bounty of true guidance (1)	3	%5
Gratify	1	%1/5
To be pleased with	1	%1/5
To bestow good	1	%1/5

جدول شماره 17

تعداد منابع: 63

Favour, v.t. to regard with kindness; to countenance; to befriend; to encourage.

Which shall not shew favour.

Deut. 28:50

God gave Moses favour in sight of

Acts 7:10

Joseph was well favoured

Gen 39:6

Bless, v.t.; [ME. *Blessen*, *blessien*; AS. *Bletsian*, *bledsian*, to bless, from, from *blod*, blood; from the consecration by sprinkling the altar with blood].

1. to set apart or consecrate to holy purposes; to make and pronounce holy.

2. to make happy; to make successful; to make prosperous in temporal concerns; as, he *blesses* us with his leadership.

God blesses. [1] by giving riches and prosperity, Gen 30:27; 39:5. [2] By giving spiritual and temporal good things, Ps 29:11; Eph 1:3. [3] By consecrating or hallowing, Gen 2:3; Ex 20:11.

16-4- معادل انگلیسی واژه «غضب»

واژه مغضوب از غضب مشتق شده و به معنی خشم است (فاموس قرآن، ج 5، ص 103). تفاوت بین دو واژه

wrath و anger در شدت آن است. مفهوم غضب به wrath نزدیکتر است و طبق جدول شماره 18 بیشتر

مترجمان از این معادل استفاده کرده‌اند.

مغضوب ← غضب

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Wrath	34	%54
Anger	20	%32
Displeasure	2	%3
Condemned	2	%3
Displeased	2	%3
Anger and wrath upon	1	%1/6
To be incensed	1	%1/6
One's indignation befallen on	1	%1/6

جدول شماره 18

تعداد منابع: 63

Wrath, *n.* violent anger; vehement exasperation; indignation; fury**Wrathful**, *adj.* very angry; greatly incensed.**Syn.** exasperated**an-ger**, *n., v.* <-gered, -ger-ing <n.1. a strong feeling of displeasure and belligerence aroused by a real or supposed wrong; wrath.

17-4 - معادل انگلیسی واژه «ضال»

ضال اسم مصدر و به معنی منحرف از حق و گمراه است (همان، ج 4، ص 193). طبق جدول شماره 19، واژه

ترکیبی to go stray بهتر از دیگر معادلها، این مفهوم را می‌رساند.

ضال

واژه معادل	توزیع فراوانی	درصد
Astray To go astray (44) To be astray (4) Strayer (1) To wander astray (1)	50	%80
(to) Lose to be lost (3) to lose the way (1) to become lost (1) to be lost in the maze of error ()	6	%10
(to) Err to err (4)	4	%6
To be perverse	1	%1/5
To be misled	1	%1/5
To error and perdition	1	%1/5

جدول شماره 19

تعداد منابع: 63

Astray, *adv. and adj.* [ME. *astraei*; OFr. *estraye*, from *estraier*, to strary; Pr. *estragnar*, L.

xtravagare; extra, out, and vagare, to wander.] off the right way or path, away from the proper path.

5- نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق و مطالعه موردی معادل‌های انگلیسی واژگان سوره حمد می‌توان واژه‌های مذهبی را از منظر تعادل واژگانی به سه دسته کلی تقسیم کرد:

1- واژه‌هایی که معنای ارجاعی آنها ملموس و قابل تجسم است. این واژه‌ها و معادل انگلیسی‌شان هر دو دارای مرجع تقریباً یکسانی‌اند. به عنوان مثال می‌توان به واژه‌هایی مانند فاتحه، حمد، عالمین، یوم‌الدین، صراط و مستقیم اشاره کرد که در هر دو فرهنگ این مفاهیم وجود دارد و بنابراین معادل‌یابی آنها در زبان مقصد به نحوی که منعکس‌کننده حوزه معنایی آنها در زبان مبدأ باشد، امکان‌پذیر است.

2- واژه‌هایی که مفاهیم کلی آنها در زبان مقصد وجود دارد، اما معادل تک‌واژه‌ایی که تمام لایه‌های معنایی واژه موردنظر را پوشش دهد، وجود ندارد. به عبارت دیگر لایه‌های معنایی دو واژه در زبان مبدأ و مقصد از پاره‌ای جهات تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در اینجا می‌توان با توجه به نظریه بیکر¹⁰ کلمه‌ای را در ترجمه اضافه کرد تا معنا را کامل نماید. به عنوان مثال می‌توان با افزودن واژه *All* به *Praise* معنای الحمد را بهتر به خواننده زبان مقصد منتقل نمود. یا درباره واژه رب می‌توان مانند یوسف‌علی یک واژه را به دو واژه *Sustainer and Cherisher* ترجمه کرد تا خواننده همه آحاد معنایی آن را درک کند.

3- پیچیده‌ترین مقوله در تعادل واژگانی زمانی پیش می‌آید که در زبان مقصد برای مفهوم خاصی واژه‌ای وجود نداشته باشد. واضح‌ترین مثال کلمه الله است که هر چند برخی از مترجمان واژه *God* را معادل آن انتخاب کرده‌اند، اما ویژگی‌ها و معانی ضمنی و پیش‌تصورات واژه الله را به صورت کامل نمی‌رساند. واژه الله مختص اسلام است و معنای آن در بافت فرهنگ اسلامی تبلور می‌یابد. بنابراین باید این کلمه را به زبان مبدأ منتقل کرد، مشاهده می‌کنیم که کلمه *Allah* به زبان انگلیسی راه یافته و متداول شده است.

روش فوق می‌تواند درباره واژه‌هایی که بسامد بالایی دارند راهگشا باشد، اما همیشه کارساز نیست و خواننده را از درک معنی عاجز و سردرگم خواهد نمود. در چنین مواردی می‌توان با ادغام راهبردهای مختلف به روش جدیدی دست یافت که نایدا آن را ترجمه تشریحی می‌نامند¹¹. در این نوع ترجمه، هم صورت و هم معنی، حتی‌الامکان به متن اصلی نزدیک است و بقیه اطلاعات و مفاهیم فرهنگی به صورت کامل در زیرنویس آورده می‌شود. بدینسان «زیرنویس‌ها خلاء فرهنگی را پر می‌کنند و خواننده ترجمه را در پایگاه خواننده متن اصلی قرار می‌دهد» (صلح‌جو، 1377، ص 53).

واژه‌های الرحمن و الرحیم در این تحقیق از این مقوله‌اند. عبارات انگلیسی *The Most Compassionate* و *The Ever Merciful* هر چند دربرگیرنده همه آحاد معنایی واژه‌های زبان مبدأ نیستند، ولی با توجه به راهبرد پیشنهادی جایگزینی فرهنگی بیکر تا حدودی تأثیر متشابهی بر خواننده زبان مقصد خواهد گذاشت¹². نکته ظریفی که بایستی بدان توجه شود، این است که نمی‌توان بر اساس نظریه نایدا با هدف تأثیرگذاری مشابه واژه‌ها را تغییر دهیم¹³. در ترجمه متون مذهبی و کتب مقدس مانند قرآن مجید باید همزمان به صورت و پیام توجه داشت و از اعمال هرگونه تغییری پرهیز کرد. در چنین متونی هرگونه توضیحات اضافی در صورتی که در حد یک یا دو کلمه

10- برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به مقاله علیرضا انوشیروانی، «تعادل واژگانی در ترجمه متون دینی: چالش‌ها و راهکارها». پژوهش زبان‌های خارجی، 28 (زمستان 1384)، ص 29.

11- همان، ص 28.

12- همان، ص 29.

13- همان، ص 31.

باشد در کمانه و در غیر این صورت در زیرنویس آورده می‌شود. در چنین حالتی زیرنویس‌ها در واقع حالت ترجمه تفسیری و یا ترجمه ارتباطی را پیدا خواهد کرد و هدف از آن ایجاد پیش‌فرض‌های لازم برای انتقال پیام از زبان مبدأ به مقصد خواهد بود.

بر اساس آنچه تا کنون مطرح شد، می‌توان گفت که ترجمه متون دینی و کتب مقدس با توجه به ارتباط آن با بنیادهای عقیدتی و فکری، از دیگر انواع ترجمه پیچیده‌تر و مشکل‌تر است و هزار نکته باریک‌تر از مو دارد. البته به این نکته هم باید اشاره شود که هیچ ترجمه‌ای هرگز برابر اصل نمی‌شود. تفاوت ترجمه و اصل در واقع تفاوت بین ساختارهای زبانی و گفتمان‌های فرهنگی است. هر گاه تفاوت بین این دو کمتر باشد، تعادل ترجمه بیشتر است و برعکس. اما در هر حال موضوع تعدیل در ترجمه، کاری است گریزناپذیر، که فقط می‌توان درباره درجه آن سخن گفت.

منابع

فهرست ترجمه‌های انگلیسی قرآن مجید که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، به شرح زیر است. هر گاه مترجمی در چاپ‌های بعدی خود تجدیدنظر کرده، آنها را به صورت ترجمه مستقل یاد کرده‌ایم.

Abu'l-Fazl, M., *The Koran: A New Translation*. Bombay: Reform Society, 1955.

Ahmed, A., S.V. Mir. *The Holy Qur'an*, Karachi: The Sterling Printing & Publishing Company, 1964.

Ali, Ahmad, *Al-Qur'an*, Delhi: Oxford University Press, 1987.

Al-Hayek, Sheikh Izziddin, *The Honourable Qur'an In the English Language*. Damascus: Dar Al-FIKR, 1995.

Ali Shah, Sirdar Iqbal, *Selections from the Koran*. Tehran: Alhoda Publications, 1980.

Allahdin, Abdullah (n.d.). *Extracts from the Holy Qur'an and Sayings of the Holy Prophet Mohammad*. Secunderabad: Ahmadia Press.

Amir-Ali, Hashim, *The Message of the Qur'an*. Rutland & Tokyo: Charles E. Tuttle Company, 1974.

—————, *The Student's Qur'an*. Bombay: Asia Publishing House, 1961.

Arberry, Arthur J. *The Koran Interpreted*. New York: Macmillan Publishing Company, 1955.

Bell, Richard, *The Qur'an*. Edinburgh: T. & T. Clark, 1937.

Borghey, Seyed R. & M. Bahonar, M. (n.d.). *The Teachings of The Holy Qur'an*. Tehran: Office for Diffusion of Islamic Culture.

Daryadari, Mulana Abdul Majid, *Tafsir-Ul-Qur'an*. Lucknow: Academy of Islamic Research and Publications, 1981.

—————, *Tafsir-Ul-Qur'an*. Lucknow: Academy of Islamic Research and Publications, 1985.

Dawood, N.J, *The Koran*. New Delhi: Penguin Books, 1990.

Ghai, O.P, *Selections from the Qur'an*. Sterling Publishers Private Ltd, 1992.

Golshani, M. and M.J. Khalili, *The Holy Qur'an*. Tehran: Islamic Propagation Organizaition, 1992.

Hairat, Mirza. (n.d.). *The Koran*, Delhi: I. M.H. Press.

Husain, A.F. Badshah. *The Holy Qur'an: A Translation with Commentary According to Shia' Traditions and Principles*. Lucknow: The Muslim Press, 1931.

Jullundri, Ali Ahmad Khan. *The Glorious Holy Qur'an*. Lahore: Ripon Press, 1962.

Khalifa, Rashad. (n.d.). *Qur'an the Final Testament*. n.p.: Islamic Productions.

Kassab, Rashid Said. *Translation of the Meanings of the Glorious Qur'an*, 1987.

- Lane, Edward W. (n.d.). *The Koran*. New York: Mount Vernon.
- Latif, Seyed Abdul. *Al-Qur'an*. Hyderabad: The Academy of Islamic Studies, 1969.
- Maududi, Maulana Seyed Abul A'la. *The Meaning of the Qur'an*. Delhi: the Board of Islamic Publications, 1973.
- Mir Ahmad Ali, S.V. *English Translation of Qur'an-e-Majeed*. Karachi: Peermahomed Ebrahim Trust, 1975.
- Muhammad Ali, Maulana, *The Holy Qur'an* Lahore: Ahmadiyyah Anjuman Ishaat Islam, 1951.
- Muller, F. Max. (n.d.). *The Sacred Books of the East*. n.p.
- Pickthall, Marmaduke. *The Glorious Qur'an*. Tehran: Salehi: Publications, 1951.
- , *The Glorious Koran*. Tehran: Salehi Publications, 1976.
- , *The Meanings of the Glorious Qur'an*. Cairo: Daral-Kitab Al-Masri, 1981.
- , *The Meanings of the Glorious Qur'an*. New Delhi: Kitab Bhavan, 1996.
- Pursafavi, Yusof. (n.d.). *The Holy Koran*. Tehran: Ziba Press.
- Rodwell, J.M. *The Koran*. London: Everyman's Library, 1974.
- Saheeh International. *Juz'u Amma*. Jeddah: Abul Qasim Publishing House, 1995.
- Sale, George. (n.d.). *The Koran*. London: Frederick Warne And Co. Ltd. and New York.
- Shakir, M.H. (n.d.). *The Holy Qur'an*. Tehran: Esmailian Publicaitons.
- The Presidency of Islamic Researches, IFTA, Call and Guidance. (n.d.). *The Holy Qur'an*. Saudi Arabia: King Fahd Holy Qur-an Printing Complex.
- Torres-Al Honeef, Iman. *The Qur'an in Plain English*. Leicester: Islamic Foundation Trust, 1997.
- Wilerry, E.M. *The Qur'an*. Allah-Abad: R.S. Publishing House, 1979.
- Yusuf Ali, Abdullah. *The Holy Qur'an: Text, Translation and Commentary*. New York: Hafnet Publishing Company, 1964.
- , *The Holy Qur'an*. New York: American Trust Publications, 1977.
- , *The Illustrious Qur'an*. New Delhi: Kitab Bhavan, 1982.
- , *The Meanings of the Holy Qur'an*. Maryland: Amana Corporation, 1992.
- , *The Meanings of the Holy Qur'an*. New Delhi: Kitabb-havan, 1996.
- Zafrulla Khan, Muhammad, *The Qur'an*. New York: Olive Branch Press, 1991.
- Zayid, Mahmud Y., *The Qur'an*. Beirut: Dar Al-Choura, 1980.

سایر منابع

- انوشیروانی، علیرضا، «تبادل واژگانی در ترجمه متون دینی: چالش‌ها و راهکارها»، پژوهش زبان‌های خارجی، 28 (زمستان 1384)، صص 19-34.
- شوشتری، عباس، *فرهنگ کامل لغات قرآن*، تهران: انتشارات گنجینه، 1374.
- صلح‌جو، علی، *گفتمان و ترجمه*، تهران: نشر مرکز، 1377.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، *ترجمه تفسیر مجمع‌البیان*، تهران: انتشارات فراهانی، 1353.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر، *قاموس قرآن*، 7 جلد، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1352.
- کاشانی، ملافتح‌الله، *تفسیر کبیر منهج‌الصادقین*، ده جلد، تهران: انتشارات اسلامیه، 1347.
- Oxford English Dictionary* (OED2 on CD ROM), Version 1.10, Oxford: OUP, 1994.